

جشنواره فرهنگی و هنری ۳۱۳

ویژه میان پرده های نمایشی کوتاه و سرود

نتیجه دوستی با دشمن

نمایش برای بازی یک نفره

دوستی با دشمن = خیانت به خودی و دوست را بدنبال می آورد

شخصی بیمار دل و ترسو روی صندلی در حال چرت زدن که از خواب هولناک خود شوکه شده و هراسان می شود

بیمار دل: نه ... نه ... من تسلیم هستم ... من را نکشید ... ببینید، پرچم سفید بلند کرده ام

صدا: دشمن کجاست ... خواب دیدی اونم چه خواب پریشانی

بیمار دل: خواب ... چه خوب شد ... بی خودی تو جنگ رفته بودم و جانم را به خطر انداخته

صدا: از جنگ برای دفاع از ناموس و وطن می ترسی

بیمار دل: نه ولی هراسانم

صدا: رک بگو می ترسی خلاص

بیمار دل: خلاصه من از جنگ با دشمن هراسانم ، دشمنان خیلی قدرتمندند، خیلی ترسناک هستند

صدا: قدرت آنان از خدا بیشتر است

بیمار دل: نه ولی حمایت و مدد الهی که برای دوره ما نیست برای قدیم قدیماست

صدا: واقعا امداد و هدایت الهی برا قدیم قدیماست

بیمار دل: آری تازه قدیم هم مسلمانان بعضی جاها شکست خورده اند مثلا خدا در

روز عاشورا از امام حسین (ع) دفاع نکرد

صدا: از چه می ترسی

بیمار دل: از شکست – از تشنگی – قحطی – کشته شدن – اسیر دشمن شدن می دانی

نمی خواهم پیروزی و سیطره دشمن را بینم

صدا: چرا آنقدر با اطمینان از شکست حرف می زنی؟

بیمار دل: تو به ایمانت و خدایت مغرور هستی و واقعیت را نمی بینی... بمب هسته ای

سلاحهای شیمیایی... میکروبی... هواپیماهای نامرئی

صدا: همه اینها را بندگان ساخته اند که خود مخلوق خدا هستند «یدا... فوق ایدیه»

بیمار دل: شعار همش شعار... خدا... خدا... مردم ژاپن هم بمباران هسته ای شدند و
کجا بود خدا، کجا بود نصرت الهی

صدا: خیلی برای زندگی ارزش قائلی درسته ... از مرگ و شهادت برای خدا می
ترسی درسته

بیمار دل: آره چرا نه ... مگر زندگی با آرامش و آسایش چه اشکالی داره ... هان
چرا از این دنیا لذت نبریم

صدا: لذت ... ذلت می پذیری و ولایت دشمن را قبول می کنی که لذت ببری ...
بیچاره دشمن مجال لذت و آرامش و آسایش بتو خواهد داد؟! ... وانگهی کجای دنیا
مردم در آرامش و آسایش هستند

بیمار دل: و فوری نتیجه می گیری که علی (ع) امامتان گفته که این دنیا محل آسایش
و آرامش نیست

صدا: واقعا همین طور است چه با ظلم بجنگی چه تسلیم باشی این دنیا محل امتحان و
آزمایش و بلاست

بیمار دل: آخر چه دلیلی داری... بگو چه دلیلی

صدا: گذشته بشر و تجربه بشر حرف مولا علی (ع) را ثابت می کند

بیمار دل: ولی من از جنگ از تحقیر می ترسم می دانی، می ترسم دشمن به ما مسلط

شود...

صدا: اما تو از جنگ ترس نداری؟

بیماردل: دارم خیلی هم دارم

صدا: تو در صحنه های مختلف مثل فتنه ۸۸ با مردم خودت جنگیدی ... یادت رفته ...

چرا با دشمن نمی جنگی و مقابله نمی کنی با ظلم و ستم

بیمار دل: اینها ایمان دارند ، حرف حالیشونه ، منطق دارن می دانم که اگر توی

خیابون هر کاری می کنم مرا نمی کشن و چند روز زندانی و آزاد می شوم

صدا: نه دوستی با دشمن آنقدر خامت کرده که حاضری با دوست بجنگی ولی با

دشمن نه ... بقول معروف آنقدر با دشمن وفاداری که به خودت خیانت می کنی

بیماردل: باور کن آنها قوی هستند و نمی شود مقابل آنها وایستاد

صدا: خدا قوی تر است و همیشه به وعده هایش عمل کرده ... از خدا بترس نه انسانی

که خود مخلوق خداست

بیماردل: من اصلا طرف هیچ کدام از طرفین دعوا نیستم باور می کنی

صدا: اولش همه همین را می گویند ولی در نهایت می شوند یک آمریکایی ۲ آتیشه

بیمار دل: من قدرت آمریکا و اسرائیل را می بینم ولی قدرت خدا رو نمی بینم چکار

کنم می ترسم

صدا: هر روز صبح اکسیژن در هوا، باد در هوا را هم نمی بینی آیا هستند یا نه؟

بیمار دل: خوب اگر نباشند که انسان می میرد

صدا: خوب خدا هم هست، هر روز بدنیا آمدن کودکانی را که می بینی، به محض

بدنیا آمدن شیرشان در بدن مادر آماده است... زمستان، تابستان را، بهار را شکوفه

های بهاری را پاییز و زرد شدن برگ درختان را

بیمار دل: آری می بینم ولی...

صدا: ولی چه...

بیمار دل: راستش ایمان ندارم که خدا را باور کنم

صدا: حسین (ع) روز عاشورا شهید شد اگر حسین بن علی (ع) در بستر می رفت،

اگر حضرت علی (ع) در بستر از دنیا می رفت عدالت خداوندی زیر سوال بود

بیمار دل: چرا مگر مرگ طبیعی چه اشکالی دارد؟

صدا: هیچ... ولی مرگ که شهادت وار باشد فوز عظیم است یک امتیاز که خدا به هر

کسی نمی دهد... مگر نه مرگ مرگ است چه در بستر، چه جنگ، چه تصادف،

چه بیماری

بیمار دل: من هم امام حسین (ع) را دوست دارم ولی دوست دارم اصلا سختی نکشم
اصلا رنج و سختی را دوست ندارم

صدا: به همان خاطر است هیچ توفیق جدی بدست نیاوردی مگر سواد
نداری؟ تخصص نداری؟

بیمار دل: چرا ... خیلی رنج و سختی کشیده ام تا لیسانس گرفتم و تازه قهرمان دو و
میدانی هم هستم

صدا: پس برای تحصیلات خود و برای قهرمانی ات رنج و سختی کشیدی؟

بیمار دل: بله خدا می داند که چه شب ها و چه روزها که برای امتحان استراحت
نکرده و بی خوابی کشیده ام ، آنقدر خرج وسایل و تمرینات ورزشی کردم تا
بالاخره قهرمان شدم

صدا: برای قهرمانی در زندگی باید بیشتر رنج و سختی بکشی تا به انرژی هسته ای،
سلولهای بنیادی بررسی و دریایی از علم و فن آوری

بیمار دل: تو راههای فرار مرا بسته ای و مرا گوشه رینگ بوکس می بری و حسابی
درب و داغون می کنی

صدا: خدا تو را دوست دارد بیدار شو و انرژی ات را برای مسلمانها بکار ببر چه با
خودی بجنگی چه با دشمن همه اش سختی داره و رنج ... زندگی با رنج آغاز و با

رنج تمام می شود، ذلت و خواری ... نتیجه راحت طلبی است که آنهم بدست
نخواهد رسید

بیمار دل: می خواهم نماز بخوانم ... قرآن بخوانم ... آدم درستی شوم ... بدرد ملت
خودم بخورم ولی شیاطین نمی گذارند و شیطان محاصره ام کرده
صدا: از شهوت پرستی و دنیا پرستی دست بردار حتی اگر می خواهی به دنیا بررسی
باید از ریاست طلبی و جاه طلبی و شهوت دست برداری ... نتیجه دوستی با دشمن
خیانت به خودی است

بیمار دل: هر چه گفתי منطقی ... می روم تا تجهیزات ماهواره را از پشت بام بردارم ،
عشق عشقه علی و آل علی (ع) راستش داعش درس عبرت شد که انرژی و نیروی
خودم را از خیابانهای فتنه ۸۸ جمع کنم و به خیابانهای شیطان پرستی و شهوت
پرستی ببرم...

عشق از آن کسانی است که با بیگانه بیگانه باشند

یا علی